

نگاهی اجمالی به سیر تاریخی فلسفه

فخری ملکی
کارشناس گروه فلسفه و منطق



واژه‌ی «فلسفه» از ریشه‌ی یونانی «فیلوسوفیا» یعنی دوست‌داری دانایی گرفته شده است. لفظ فیلسوف را نخستین بار فیثاغورث به کار برد. به اعتقاد وی، طالبان حکمت شایسته‌ی آن نیستند که حکیم خوانده شوند، بلکه چون طالب حکمت هستند، باید آن‌ها را «فیلوسوفس»، یعنی دوست‌دار حکمت بخوانند. افلاطون در مقابل کسانی که خود را سوفیست^۱، یعنی صاحب دانایی می‌نامیدند، سقراط را فیلسوفس معرفی می‌کند، ولی در نوشته‌های او این کلمه صورت مفهوم به خود نگرفته است. وی به جای مفهوم فلسفه به معنای کنونی آن، کلمه‌ی دیالکتیک^۲ را به کار می‌برد. انسان دیالکتیکی، توانایی راه یافتن از عالم محسوس به دنیای معرفت^۳ و عالم مثل را دارد. لذا مرد دیالکتیکی را نه صاحب دانایی، بلکه دوست‌دار دانایی می‌نامند.

عملی، و تولیدی تقسیم می‌کند. حکمت نظری شامل فلسفه‌ی اولی، فلسفه‌ی وسطی و فلسفه‌ی سفلی است. حکمت عملی نیز اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن را در بر می‌گیرد. فلسفه به معنای خاص آن، به فلسفه‌ی اولی اطلاق می‌شود که موضوع آن عبارت است از: وجود، از حیث این که وجود است.

در عالم اسلام، عنصر و اصل مهمی که حجیت دارد و به این صورت در یونان سابقه نداشته، دین است. این عنصر جنبه‌ی قدسی و ماورایی دارد و با «عقل» و «نظر» فلسفه‌ی یونان از اساس متفاوت است. مؤسس فلسفه‌ی اسلامی، یعنی ابونصر فارابی، به منشأ و مرجع واحد برای نبی و حکیم، یعنی عقل فعال قائل است. اتصال با عقل فعال در حد پیامبر یا فیلسوف است. این اتصال در مورد پیامبر به مدد تخیل و در مورد فیلسوف از راه تفکر و تعمق صورت می‌پذیرد. هم چنین می‌توان دریافت که هر دو متفقاً از یک سرچشمه سیراب می‌شوند و دانش خود را از عالم بالا کسب می‌کنند. در واقع، حقیقت دینی و حقیقت فلسفی، هر دو پرتویی از انوار الهی هستند که از راه تخیل یا مشاهده و تعمق حاصل می‌شوند. [شریف، ۱۳۶۲: ۲۵۸].

این سینا نیز به سازگاری و انطباق میان عقل و نقل همت می‌گمارد. نبوت و وحی الهی امری است که این سینا می‌خواهد ضرورت آن را مطرح کند. توصیف و تفسیر نظریات اساسی فلسفه‌ی او، روح عمیق دینی او را نشان می‌دهد. نظریه‌ی این سینا در باره‌ی وجود، به وابستگی هر موجود متناهی به خدا منجر می‌شود. او هم چون فارابی و کندی، بر این عقیده است که نفس با افاضه‌ی عقل فعال و عقل قدسی می‌تواند به مفاهیم معقول برسد.

مفهوم «نیایش عقل» نزد این سینا، بر استفاضه‌ی عقل انسان‌ها از عقل فعال تأکید دارد. [حانری بزدی، ۱۳۸۴: ۱۱۵]. ملاصدرا ی شیرازی نیز معتقد به وحدت حقایق دینی با حقایق فلسفی است و مغایرتی بین عقل و وحی و فلسفه و عرفان نمی‌بیند. وی بر آن است که این سازگاری را در سه مسئله‌ای که برخی از عالمان اسلامی نظیر غزالی در آن‌ها به فلسفه اشکال کرده و آنان را شایسته‌ی تکفیر دانسته‌اند، به اثبات رسانند. آن سه مسئله عبارت‌اند از: علم خداوند به جزئیات، معاد جسمانی و حدود زمانی عالم.

بنابر عقیده‌ی ابن رشد، دین اسلام مبتنی بر سه اصل است و هر مسلمانی باید به آن‌ها اعتقاد داشته باشد. این سه اصل عبارت‌اند از: توحید، نبوت و معاد که موضوع اصلی دین را تشکیل می‌دهند. چون نبوت مستند به وحی است، فلسفه از این

در فلسفه‌ی افلاطون، نفس مبدأ شناسایی نیست و در شأن آن نیست که اعیان ثابت و مثل را در برابر خود قرار دهد و به آن‌ها علم پیدا کند. حتی دلیلی ندارد که نفس را در فلسفه‌ی افلاطون، شرط شناسایی بدانیم، بلکه باید گفت که نفس از آن جهت که سنجشی با عالم معقول دارد، با سیری دیالکتیکی به عالم مثل و ماهیات معقول راه می‌یابد. نه آن که خود مبنای علم و حقیقت باشد. معنی نظریه‌ی تذکار در فلسفه‌ی افلاطون هم این است که نفس حقایقی را می‌تواند ادراک کند که قبلاً، یعنی قبل از تعلق به بدن و فرورفتادن در عالم محسوس، آن‌ها را ادراک کرده باشد. [داووزی رضا، ۱۳۵۹: ۱۷۶].

ارسطو نیز می‌گوید، مفهومی را که بعدها فلسفه نامیده شد، تعریف کند و دانشی را بیابد که در باره‌ی اولین اصول و اولین علت‌ها بحث کند. وی حکمت یا فلسفه را به سه قسمت نظری،

حیث از دین متمایز می‌شود؛ مگر این که ثابت و مبرهن شود که عقل و وحی با یکدیگر توافق دارند [شریف، ۱۳۶۲: ۷۷۹]. آنچه برای دین و شرع مضر است، خلط میان حوزه‌ی دین و حوزه‌ی فلسفه است که به اعتقاد ابن رشد، ابن سینا و غزالی هر دو، هر یک به نحوی بدان مبادرت کرده‌اند. همین وجهه‌ی نظر است که نزد ابن رشدیان لاتینی، به جدایی بنیادین دین و فلسفه (ضمن قبول هر دو) انجامیده است. به اعتقاد کورین، غرب دوره‌ی جدید تماما به این راه رفته است.

در دوره‌ی جدید، رنه دکارت با عبارت مشهور «می‌اندیشم پس هستم»، فلسفه را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. در این مرحله حقیقت، مبنایی کاملاً انسانی می‌یابد و انسان به فاعل شناسا یا سوژه‌ای تبدیل می‌شود که جوهری است مستقل از همه‌ی اشیا و ملاک و میزان هستی، نیستی و چیستی آن‌هاست. چون انسان سوژه‌ای مستقل است، سایر موجودات از انسان‌های دیگر گرفته تا حیوانات و طبیعت و حتی خداوند و کل عالم، عبارت است از متعلقات و موضوعات شناسایی انسان. بدین ترتیب، با فلسفه‌ی جدید، «سوژکتیویسم» یا «اصالت فاعلیت شناخت» پدید می‌آید. انسان جوهری مستقل در عالم انگاشته می‌شود که ویژگی ذاتی او شناسایی و تفکر است و شناخت یعنی او ضامن حقیقت است. هر گونه حقیقتی ریشه در فهم و ادراکش دارد و آنچه را او نتواند به یقین علمی بشناسد، مشکوک و یا مردود می‌انگارد و از

حوزه‌ی حقیقت خارج می‌داند.

کانت در متفاوتی یک مسائلی را می‌بیند که گرچه برای بشر اهمیت وافری دارند، اما به نظر او هیچ‌گاه پاسخی قطعی و غیرقابل تردید نیافته‌اند. مسائلی مانند وجود خداوند و اثبات اختیار و بقای نفس آدمی، مهم‌ترین مسائلی هستند که همواره فکر بشر را به خود مشغول داشته‌اند. اما در خصوص آن‌ها هنوز کلام آخر گفته نشده است. دلایل در اثبات و نفی این مسائل همواره برابری می‌کنند. لذا عقل بشر دچار تحیر و سرگردانی شده است. در دوره‌ی جدید که به نظر کانت دوره‌ی بلوغ عقلی بشر است، این امر به بی‌اعتمادی نسبت به متفاوتی یک انجامیده است.

از این پس سه روش در غرب پیدا می‌شود: روش علمی^۱، روش جدالی هگل و اتباخ او^۲ و روش تأویلی^۳. فلسفه‌ی غرب هم به دو شاخه‌ی اصلی «انگلیسی-آمریکایی» که شاخصه‌ی آن فلسفه‌ی تحلیلی است، و «قاره‌ای» که پدیدارشناسی و فلسفه‌های آگزیستانس نحله‌های بارز آن به شمار می‌روند، تقسیم می‌شوند. بالاخره تحت تأثیر آرای نیچه و ماکس وبر، فلسفه‌های پست مدرن به وجود آمدند که سخن در موافقت و مخالفت با آن‌ها بسیار است.

پی‌نوشت:

1. Philosophia
2. sophist
3. dialectic
4. epistome
5. scientific
6. dialectic
7. hermeneutic

ابن سینا نیز به سازگاری و انطباق میان عقل و نقل همت می‌گمارد. نبوت و وحی الهی امری است که ابن سینا می‌خواهد ضرورت آن را مطرح کند. توصیف و تفسیر نظریات اساسی فلسفه‌ی او، روح عمیق دینی او را نشان می‌دهد



منابع:

۱. شریف، م. م. تاریخ فلسفه در اسلام (ج ۱). مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۲.
۲. کورین، هاسری. تاریخ فلسفه‌ی اسلامی. ترجمه‌ی جواد طباطبایی. انتشارات کویر. تهران. ۱۳۷۳.
۳. هومن، محمود. تاریخ فلسفه (ج ۱). انتشارات طهوری. تهران. ۱۳۳۷.
۴. داوری، رضا. فلسفه چیست؟ انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه‌ی ایران. تهران. ۱۳۵۹.
۵. حائری یزدی، مهدی. کاوش‌های عقل عملی (ج ۲). مؤسسه‌ی حکمت و فلسفه‌ی ایران. تهران. ۱۳۸۴.